

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام بصورت الکترونیکی  
برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

دولت مهدی سیرت مهدی علیه السلام

نویسنده: مصطفی دلشاد تهرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

«السلام على القائم المنتظر والعدل المشتهر، السلام على السيف الشاهر والقمر الزاهر والنور الباهر، السلام على ربيع الانام ونضرة الايام.»<sup>(1)</sup>

سلام بر قائم منتظر و عدل پر آوازه، سلام بر شمشیر از نیام بر آمده و ماه تابان و نور درخشان، سلام بر خورشید تاریکی و ماه تمام، سلام بر بهار مردمان و خرمی زمان.

عنوان دولت مهدی عليه السلام و سیرت مهدی عليه السلام از دیر باز مورد توجه و تأمل بوده است و ذهن و اندیشه دوستداران حق و عدل را به خود مشغول می داشته است، اینکه دولت آن خورشید مغرب<sup>(2)</sup>، چگونه دولتی است و سیرت آن بر پا دارنده عدل تمام، چگونه سیرتی است. آن دولتی که منتظران چشم امید بدان دارند و آن سیرتی که دوستداران حق و عدل به آن دل سپرده اند، چگونه است.

«اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله.»<sup>(3)</sup> خدایا از تو امید داریم که دولت با کرامت آن امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلش را با آن عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی.

آن دولت کریمه و آن سیرت جلیله چگونه است که یادش نیز روشنی بخش دل منتظران است؟ هر انسانی به فطرت خود - که عشق به کمال مطلق است - خواهان آن دولت و آن سیرت است و سخن از آن، پاسخی به تمنای فطرت آدمی (حق خواهی و عدالت دوستی) است.

## ظهور انقلابی

بنابر روایاتی مشهور که از پیشوایان معصوم وارد شده است، امام عصر علیه السلام به دنبال یک تحول انقلابی، دولت‌های باطل و ستمگر را مضمحل می‌سازد و دولتی سراسر حق و عدل بر پا می‌کند، چنانکه در حدیث امام باقر علیه السلام آمده است: «إذا قام القائم ذهب دولة الباطل». <sup>(4)</sup>

هنگامی که قائم قیام می‌کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود. در حدیثی که متفق فریقین است، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من اهل بيتي يملا الارض عدلا كما ملئت ظلما وجورا». <sup>(5)</sup> اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از خاندان من خروج کند و زمین را پس از آنکه پر از ستم و بیداد شده باشد، پر از عدل و داد کند.

این گونه است که دولت کریمه او بر پا می‌شود و آن حضرت با سیرت نیکوی خود همگان را از آب گوارای عدالت سیراب می‌سازد. آنچه در ابتدا از باب براهه المطلاع <sup>(6)</sup> نقل شد، گویای دولت مهدی علیه السلام و سیرت مهدی علیه السلام است. آن حضرت قائم منتظر است، منتظر، تا منتظران زمینه قیام و حکومت عدل را آماده سازند. آن حضرت، عدالت پر آوازه است، عدالتی که هر انسانی با روی کرد به فطرت خود شیفته و فریفته آن است. ابو العلاء معری حکیم وادیب بزرگ در این باره چنین سروده است:

«متی یقوم امام یتقید لنا فیعرف العدل اجبال و غیطان». <sup>(7)</sup> آن پیشوایی که انتقام ما را (از ستمگران) خواهد گرفت کی قیام خواهد کرد؟ تا با قیام او کوهها و دشتهای طعم عدالت (واقعی) ره بچسند؟

## یاران مهدی

آن حضرت با شمشیری از نیام بر آمده قیام می کند و موانع عبودیت و کمال آدمیان را رفع و مقتضیات آن را فراهم می کند. جابر جعفی از امام باقر علیه السلام درباره ظهور انقلابی مهدی علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود که چون مهدی علیه السلام آید میان رکن و مقام نماز گزارد، آن گاه روی به مردم نماید و فریاد کند: «الا انا نستنصر الله اليوم وكل مسلم». بدانید که امروز از خدا یاری می جوئیم و از مسلمانان.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: «ویجیء والله ثلاثمائه وبضعه عشر رجلا فیهم خمسون امراه یجتمعون بمکه علی غیر میعاد فرعا کفزع الخریف». <sup>(8)</sup> به خدا سوگند سیصد و سیزده تن نزد او گرد می آیند که در میان آنان پنجاه زن هست. آنان بدون قراری از پیش، از این سوی و آن سوی مانند ابرهای پراکنده پاییزی به هم می پیوندند و در مکه به حضور مهدی می رسند.

انقلاب آغاز می شود و سیصد و سیزده نفر به تعداد مجاهدان غزوه بدر گرد می آیند تا همان گونه که شرک و اشرافیت و ستمگری به دست مبارک پیامبر و پیروانش شکسته شد، این بار پایان پذیرد و دولت عدالت بتمامه رخ نماید.

البته آنان فرماندهان و کارگزاران اصلی امام علیه السلام و دولت او هستند. ابوبصیر روایت کرده است که مردی از اهل کوفه از حضرت صادق علیه السلام پرسید چند نفر با قائم علیه السلام قیام می کنند؟ زیرا مردم می گویند آنان به تعداد شرکت کنندگان در جنگ بدر یعنی سیصد و سیزده نفر هستند. حضرت فرمود: «ما یخرج الای فی اولی قوه، وما یکون اولوا القوه اقل من عشره آلف». <sup>(9)</sup> او قیام نمی کند مگر با افراد صاحب قوت و این افراد صاحب قوت کمتر از ده هزار نفر نیستند.

بنابر این تعداد یاران حضرت صاحب الامر علیه السلام منحصر به سیصد و سیزده نفر نیست، بلکه آنان پرچمداران و فرماندهان آن حضرت و نخستین کسانی هستند که به او می پیوندند، <sup>(10)</sup> چنان که خبر مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام بر آن صراحت دارد:

«کافی انظر الى القائم على منبر الكوفة وحوله اصحابه ثلاثمائة وثلاثة عشر- رجلا عده اهل بدر، وهم اصحاب الالويه وهم حکام الله في ارضه على خلقه». <sup>(11)</sup> گویا قائم را می بینم که روی منبر کوفه نشسته است و یارانش که به تعداد مجاهدان زوه بدر سیصد و سیزده نفرند، دور او را گرفته اند، و آنان پرچمداران او و حکمرانان الهی در زمین بر خلق او هستند.

آنان با قوتی الهی قیام می کنند و دولت مستضعفان صالح را بر پا می دارند که اراده الهی چنین است: (وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ). <sup>(12)</sup>

وما اراده داریم که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان (حکومت روی زمین) قرار دهیم. آنان از هر عیب و آفتی بری خواهند بود و دلهایشان چون پاره های پولاد خواهد بود. سیادت و دولت حق از آن ایشان خواهد شد.

از امام سجاد عليه السلام روایت شده است که فرمود: «اذا قام قائمنا اذهب الله عز وجل عن شيعتنا العاهه، وجعل قلوبهم كزبر الحديد، وجعل قوه الرجل منهم قوه اربعين رجلا ويكونون حكام الارض وسانمها». <sup>(13)</sup> چون قائم ما قیام کند، خداوند عیب و آفت را از شیعیان ما برطرف کند، و دلهای آنان را چون پاره های پولاد سازد، و به هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد دهد، و آنان حاکمان و سروران زمین خواهند بود.

## دولت آرمانی

دولت مهدی، دولت تحقق آرمانهای انسانی و تلاش انبیای الهی است. انبیای الهی پی در پی برانگیخته شدند تا آدمیان را تربیت فطری نمایند و موانع کمال آنان را بردارند و با ایجاد عدالت زمینه عبودیت الله را فراهم سازند و عقلها را کامل کنند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «و بعث فیهم رسله وواتر الیهم انبیائه لیستادوهم میثاق فطرته ویدکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یثیروا لهم دفائن العقول».<sup>(14)</sup> پیامبرانش را در میان ایشان برانگیخت و پی در پی فرستادگان خود را به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرت را از ایشان مطالبه نمایند و نعمتهای فراموش شده را به یاد آنان آورند و با ابلاغ دستورهای خدا حجت بر ایشان تمام کنند و گنجهای پنهانی عقلها را آشکار سازند.

## سیرت و سنت مهدی

این رسالت با دولت مهدی عجل الله فرجه به کمال می رسد و آن حضرت مردمان را به سیرت و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هدایت می کند و آن چه را که خواست پیامبر خاتم بوده است، محقق می سازد. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است: «سنته سنتی، یقیم الناس علی ملتق و شریعتی و یدعوهم الی کتاب ربی عز و جل». <sup>(15)</sup> سیره و سنت او (مهدی)، سیره و سنت من است.

مردم را بر دین و آیین من راست خواهد کرد و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند. سیرت آن حضرت چون سیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. جاهلیت را ریشه کن می کند و اسلام را از نو آن سان که بنیانگذار اسلام آورده بود، بر پا می سازد. عبدالله بن عطاء ملکی گوید از امام صادق عجل الله فرجه درباره سیرت مهدی عجل الله فرجه پرسیدم که چگونه است.

حضرت فرمود: «یصنع کما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، یرهدهم ما کان قبله کما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم امر الجاهلیه، ویستأنف الاسلام جدیدا» <sup>(16)</sup> همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل کرد، عمل می کند، آنچه را پیش از او بوده است نابود می سازد، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سلم جاهلیت را نابود کرد، و اسلام را از نو می آورد.

همچنین ابو خدیجه از آن حضرت نقل کرده است که فرمود: «إذا قام القائم عجل الله فرجه جاء بامر جدید کما دعا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی بدو الاسلام الی امر جدید». <sup>(17)</sup> چون قائم عجل الله فرجه قیام کند، امری جدید می آورد چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد. اینکه مهدی عجل الله فرجه به سیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند، بدین معناست که جاهلیتی را که مجددا بر پا شده است از بین می برد و چون پیامبر عدالتی راستین را بر پا می دارد.

محمد بن مسلم گوید از امام باقر عجل الله فرجه درباره قائم عجل الله فرجه پرسیدم که چون قیام کند، به کدام سیرت در میان مردم عمل می کند؟ حضرت فرمود: «بسیره ما سار به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حتی یظهر الاسلام». قلت: وما کانت سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ قال: «ابطل ما کان فی الجاهلیه واستقبل الناس بالعدل، وكذلك القائم علیه السلام اذا



قام يبطل ما كان في الهدنه مما كان في ایدی الناس ويستقبل بهم العد». (18) به سیرتی عمل می کند که رسول خدا ﷺ عمل کرد تا اسلام را آشکار (وحاکم) ساخت.

گفتم: سیرت رسول خدا ﷺ چه بود؟ فرمود: آنچه را که در جاهلیت بود، از بین برد و با مردم به عدالت رفتار کرد، و همین گونه است قائم ﷺ که چون قیام کند آنچه را که از روابط ناعادلانه در میان مردم است از بین ببرد و با ایشان به عدالت رفتار کند.

البته سیرت رسول خدا ﷺ برای رسیدن به اهداف اصلاح طلبانه بر رحمت و گذشت استوار بود تا مردمان آرام آرام به حق گرایش یابند و اصلاحات اجتماعی تحقق یابد، اما تا زمان ظهور مهدی ﷺ همه حجت ها تمام می شود و آن حضرت برای تحقق اهداف اصلاح طلبانه خود دیگر بر اساس رحمت و گذشت عمل نمی کند، زیرا دیگر جایی برای رحمت و گذشت نیست و از هیچ کس عذر و بهانه ای پذیرفته نمی شود. زراره گوید به امام باقر ﷺ گفتم: نام صالحی از صالحان را برایم بیان کن، و منظورم قائم ﷺ بود. فرمود: نام او نام من است. گفتم: آیا به سیرت محمد ﷺ رفتار می کند؟

فرمود: «هیئات، هیئات یا زراره، ما یسیر بسیرته» قلت: جعلت فداک لم؟ قال: «ان رسول الله ﷺ سار فی امته باللین کان یتالف الناس والقائم ﷺ یسیر بالقتل، بذلک امر، فی الکتاب الذی معه ان یسیر بالقتل ولا یستتیب احدا، ویل لمن ناواه». (19) هیئات، هیئات، ای زراره - به سیرت پیامبر رفتار نمی کند. گفتم: فدایت شوم برای چه؟

فرمود: همانا پیامبر در میان امت خود به ملایمت رفتار می کرد و می کوشید محبت مردم را در راه دین جلب کند و تالیف قلوب نماید، امام قائم با شمشیر و قتل با مردم رو به رو می شود. در کتابی که با اوست بدو چنین فرمان داده شده است (خدا به او این گونه فرمان داده است) که بکشد و توبه ای از کسی نپذیرد.

وای به حال کسی که با مهدی بستیزد. بنابر این سیرت انقلابی و اصلاحی مهدی ﷺ بر کشتن تباهگران و ستمگران استوار است و دیگر از کسی توبه ای پذیرفته نمی شود که پیش از آن همه حجتها تمام شده است. استاد محمدرضا حکیمی در این باره می نویسد: آری، این چنین است: شمشیر. دیگر، روزگار موعظه و خواهش تمام می شود. از قدیمترین روزگاران که پیامبران آمدند، همواره، بشر را موعظه کردند، و راه

نمودند، وراه نمودند، ودرخواست کردند که: مومن باش، وعمل صالح به جای آر. و دیدیم که بشر چقدر گوش به آن سخنان داد، و چگونه انبیا واولیا را از دم تیغ گذرانید.

اما روزگار مهدی، روزگار خوار ساختن زورداران است. بشر قدرتمند فاسد و جانی و درنده، چقدر نوامیس خدا را هتک کرد، و چقدر محرومان و ناتوانان و مستضعفان را پایمال ساخت، و چقدر زمین را از ستم و فساد آکنده نمود؟ - مهدی عجل الله فرجه که بیاید دیگر این چنین نخواهد بود... دیگر، آن روزگار نخواهد بود که پیامبران و امامان و مصلحان، مردمان را موعظه کنند وارشاد نمایند، و از آنان بخواهند که مومن و صالح باشند، و ستم و گناه مرتکب نشوند.

و بسیار کسان گوش ندهند، و سرگرم جنایت و فساد باشند... پیامبران را بکشند، سنت های آنان را محو کنند، مصلحان را زهر خوراندند، نیکان و پاکان را نابود سازند، و صحنه هایی چون صحنه عاشورا پدید آورند. «هیئات، هیئات، یسیر بالقتل و لا یستتیب احدا». شمشیر در میان نابکاران نهد، و از احدی توبه نپذیرد.

و بدین گونه ماهیت زمان را تطهیر کند، و انسانیت خرد شده را زنده سازد، و والایی ها را حاکم نماید، و پستی ها را از میان بردارد. بشر، در گذشته خویش، امتحان خوبی نداده است. ممنوع خود را، برای امیال و هوسهای سبعانه خود، پایمال کرده است. باید انتقام پس دهد. و مهدی، دست انتقام خدایی است. مهدی، دشمن خونریز مستکبران و فاسدان است، و یار دلسوز فروتنان و مستضعفان و پاکان.

مهدی، آن قدر بکشد که مردم بگویند: این مرد، از آل محمد نیست. اگر از آل محمد بود، این اندازه خون نمی ریخت. اما او از آل محمد است، یعنی: آل حق، آل عدالت، آل عصمت و آل انسانیت. و همین است که برای فرا آوردن انسانیت هضم شده، و عدالت به خون خفته، و حق خاک شده، و عصمت هتک گشته می کشد. او می کشد اما درندگان را، او می کشد خونخواران را، که تا پیش از ظهور او خود مشغول آدمکشی و خونخواهی بودند، و سرسوزنی به کشته شدگان خود نمی اندیشیدند، و لحظه ای به آن همه خون ناحق که ریخته بودند فکر نمی کردند.

او این جانیان را می کشد. از شمشیر مهدی، برای خون آشامان پست، و درندگان متمدن، و ابر قدرت‌ان نا انسان، خون و مرگ می بارد، و برای انسانیت درد کشیده خرد شده، رحمت و حیات. شمشیر مهدی، سیف الله است، سیف الله المنتقم. شمشیر مهدی، شمشیر انتقام از همه جانیان است، در طول تاریخ.<sup>(20)</sup>

## رفع موانع رشد و کمال مهدی

با برداشتن سدهای راه کمال بشر واز بیخ وبن کندن خارهای راه رشد انسانیت، زمین را سراسر عدل و داد می کند واین تحول انقلابی جز با کشتن بیدادگران ضد دین و بشر، وستمگران و مزوران مدعی دین و دینداری میسر نمی شود.

ابو الولید طرائفی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرموده: «یملأها قسطا وعدلا كما ملئت ظلما وعدوانا، یسیر فی اهل القبلة بسیره علی بن ابی طالب علیه السلام یقتل اعداء الله حتی یرضی الله». <sup>(21)</sup> زمین را سراسر قسط و عدل می کند همان گونه که سراسر ستم و دشمنی شده بود، درباره اهل قبله به سیرت علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار می کند، دشمنان خدا را می کشد تا خدا راضی گردد.

سیرت انقلابی مهدی علیه السلام اقتضا می کند که با تحریف کنندگان دین و مدعیان آیین و فساد کنندگان بر زمین با شدت برخورد نماید، ملامت و سرزنش دشمنان او را از مقصد اصلاحی باز ندارد و اسلام را سامانی جدید بخشد و به روشی انقلابی حکم کند.

ابو بصیر از امام باقر علیه السلام چنین روایت کرده است: «یقوم الائم بامر جدید و کتاب جدید و قضاء جدید، علی العرب شدید، لیس شانه الا السیف لا یستتیب احدا ولا یاخذه فی الله لومه لائم». <sup>(22)</sup> قائم به امری جدید و کتابی جدید و قضایی جدید قیام کند، بر عرب سخت گیرد و فقط شمشیر را شناسد. او از کسی توبه نپذیرد و (در راه تحول انقلابی خود) نکوهش احدی را نشنود.

## آرمانهای اصلاحی

با چنین سیرت انقلابی است که ستم و بیداد ریشه کن شود و عدالت رخ نماید و امنیتی همه جانبه - که لازمه رشد و کمال همه جانبه است - حاکم گردد، چنانکه در خبری از امام صادق علیه السلام ویژگیهای دولت آن حضرت چنین آمده است:

«اذا قام القائم حکم بالعدل وارتفع فی ایامه الجور، وامن السبل، واخرجت الارض برکاتها، ورد کل حق الی اهله، ولم یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام، ویعترفوا بالایمان، اما سمعت الله سبحانه یقول: (وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ)»<sup>(23)</sup> و حکم بین الناس بحکم داود، و حکم محمد صلی الله علیه و آله و سلم، فحینئذ تظهر الارض کنوزها و تبدی برکاتها، ولا یجد الرجل منکم یومئذ موضعا لصدقته ولا لبره، لشمول الغنی جمیع المومنین.<sup>(24)</sup>

هنگامی که قائم قیام کند، به عدل حکم نماید و در روزگار او بیداد بتمامه نابود گردد و راهها امن شود و زمین برکات خود را آشکار سازد و هر حقی به صاحبش برگردانده شود و هیچ پیرو دینی نماند مگر آنکه به اسلام درآید و با ایمان شناخته شود، نشنیده ای که خدای سبحان می فرماید:

هر که (و هر چه) در آسمانها و زمین است، خواه و ناخواه او را گردن نهاده است، و همه به سوی او باز گردانده می شوند. و (مهدی) در میان مردم به روش داوود و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم کند. آن هنگام زمین گنج های خود را آشکار سازد و برکاتش را ابراز دارد و همگان چنان بی نیاز شوند که چون کسی بخواهد صدقه ای دهد و بخشش نماید، مستحق نیابد.

بدین ترتیب با ظهور دولت مهدی علیه السلام و تحولی اساسی، همه آرمانهای اصلاحی بشر تحقق می یابد. عدالت بتمامه طلوع می کند، بیداد بکلی غروب می نماید، امنیت در همه وجوهش بر سر مردمان سایه می افکند، دیانت حکومت می یابد، برکات بتمامه آشکار می گردد و همگان بی نیاز می شوند.

در پهنه تاریخ، پیوسته آرمان مصلحان این بوده است که شر و بدی را پس زنند و خیر و نیکی را میداندار نمایند، مردمان را از بندگی غیر خدا خارج سازند و به بندگی خدا سیر دهند و روابط اقتصادی و اجتماعی را به سامانی آرمانی درآورند و امنیتی همه جانبه برای شکوفا شدن استعدادهای آدمی فراهم سازند. با برپایی دولت مهدی علیه السلام این آرمانهای اصلاحی که یادش نیز شور آفرین و تحرک زاست، محقق می شود. از امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف دولت مهدی علیه السلام چنین نقل شده است:

«یذهب الشر ویبقى الخیر ویذهب الزنا ویذهب الربا ویقبل الناس علی العبادات والشرع والدیانه والصلوه فی الجماعات وتطول الاعمار وتودی الامانات وتحمل الاشجار وتتضاعف البرکات وتهلک الاشرار وتبقى الاخیاره».<sup>(25)</sup> بدی از بین می رود و نیکی برقرار می ماند، زنا از بین می رود و ربا محو می شود و مردم به عبادات و شرع و دینداری و نماز با جماعت روی می کنند و عمرها طولانی می گردد و امانتها ادا می شود و درختان پر بار می شوند و برکتها چند برابر می گردد و بدان نابود می شوند و نیکیان برقرار می مانند.

## دولت احیای زمین و آدمیان

اینها نتایج و ثمرات دولت عدل است که عدالت زنده کننده همه چیز است و دولت مهدی علیه السلام، دولت احیای زمین و آدمیان است. آن حضرت زمین را به عدالت زنده می سازد و با حاکم کردن دین حق، مردمان را زنده می کند.

شیخ صدوق رحمه الله به اسناد خود از عبدالرحمن بن سلیط از حضرت حسین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «منا اثنا عشر مهديا اولهم امير المؤمنين علي بن ابي طالب، وآخرهم التاسع من ولدي، وهو الامام القائم بالحق، يحيي الارض بعد موتها، ويظهر به دين الحق على الدين كله ولو كره المشركون». <sup>(26)</sup> از (خاندان) ما دوازده هدایتگر هستند که نخستین ایشان امیر مومنان علی بن ابی طالب و آخرینشان نهمین فرزند من است، و او امام قیام کننده به حق است، زمین را پس از مردن آن زنده کند و دین حق را بر همه ادیان چیره گرداند، هر چند که مشرکان خوش ندارند.

این وعده حتمی خداست که فرمود: (اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا). <sup>(27)</sup> بدانید که خدا زمین را پس از مردگی اش زنده می کند.

از امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه چنین روایت شده که فرمود: «يحييها الله عز وجل بالقائم عليه السلام بعد موتها - بموتها كفر اهلها - والكافر ميت». <sup>(28)</sup> خداوند زمین را پس از مردگی اش به وسیله قائم عليه السلام زنده می کند، یعنی زمین به سبب کفر اهل زمین می میرد زیرا کافر مرده است.

کفر و بیداد می راننده است و ایمان و عدالت زنده کننده. دولت مهدی علیه السلام دولت ایمان و عدالت است و آن حضرت با ایمان و عدالت زمین و اهل زمین را زنده می کند. شیخ کلینی رحمه الله به اسناد خود آورده است که محمد حلبی از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که خداوند فرموده است: بدانید که خدا زمین را پس از مردگی اش زنده می کند. پرسش کرد و آن حضرت فرمود:

«العدل بعد الجور»<sup>(29)</sup> مراد، عدالت پس از بیداد است. دولت مهدی عجل الله فرجه دولت عدالت تام و تمام است و از این رو دولت زنده کننده همه چیز و همه کس است. هر چیز و هر کس که استعداد زنده شدن داشته باشد به دست او و با دولت او زنده می شود.

در روایتی از امام کاظم عجل الله فرجه در تفسیر آیه (يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا).<sup>(30)</sup> چنین آمده است: «لیس یحییها بالقطر ولكن یبعث الله رجالا فیحیون العدل فتحی الارض لاحیاء العدل، ولا قامه الحد لله انفع فی الارض من الطراربعین صباحا».<sup>(31)</sup> مراد، این نیست که خداوند زمین را به وسیله باران زنده می کند، بلکه خداوند مردانی را بر می انگیزد که عدالت را زنده می کنند و در نتیجه زمین با احیای عدالت زنده می شود، (بدانید) بر پایی حد برای خدا در زمین از چهل روز باران سودمندتر است.

بنابر این احیای زمین با عدالت و بر پا ساختن حدود الهی از نزول باران نیز با اهمیت تر و پیر برکت تر است. عدالت، جن شریعت و روح دین است: العدل حیاة الاحکام.<sup>(32)</sup> عدالت حیات احکام است.

جامعه فاقد عدالت، جامعه ای مرده است، و سرزمین بی عدالت چون زمین خشک و کشتزار بی حاصل است. به وسیله عدالت است که زمین زنده، سرزمینها آباد و مردمان و جوامع به درستی بر پا می شوند. از امیر مؤمنان علی عجل الله فرجه چنین نقل شده است: «جعل الله سبحانه العدل قوام الانام وتنزیها من المظالم والاثام وتسنيه للاسلام».<sup>(33)</sup> خدای سبحان عدالت را مایه بر پایی مردمان و ستون زندگی آنان و سبب پاکی از ستمکاریها و گناهان و روشنی چراغ اسلام قرار داده است.

مردم به عدالت مستقیم می شوند و حیات حقیقی زمانی بر مردم سایه می افکند که پرچمهای عدالت در میانشان بر پا شود. در این صورت است که ستمها زدوده و دامن آدمیان از گناهان پاک می شود. آری روشنی دین و دینداری به عدالت بسته است و چون عدالت زدوده شود چراغ اسلام خاموش گردد. بقا و سلامت جامعه به عدالت است و آنجا که عدالت نیست، انتظار پاکی و سلامت اجتماعی، انتظاری بیهوده است.

روشنی اسلام به عدالت است و با خاموش شدن عدالت، اسلام چون چراغی خاموش خواهد بود که با آن نمی توان راه یافت و مردمان را به سامان رساند. از همین روست که پیام آور عدالت و رسول هدایت صلى الله عليه وآله وسلم فرموده است:



«عدل ساعه خير من عباده سبعين سنه قيام ليلها وصيام نهارها».<sup>(34)</sup> ساعتی عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش به نماز شب و روزهایش به روزه بگذرد، (برتر و) بهتر است. در اندیشه دینی، عدالت شکوفا کننده فطرت ایمانی و رفتار انسانی است.

از امیر مؤمنان علیه السلام چنین نقل شده است: «العدل راس الايمان وجماع الاحسان».<sup>(35)</sup> عدالت راس ایمان و گرد آورنده نیکیهاست. بنابر این دولتی که عدالت را در همه وجوهش بر پا می سازد (دولت مهدی)، ایمان را در معنای حقیقی و فراگیرش حاکم می کند و نیکی ها را زنده می سازد. ساعتی از این دولت چنان کند که سالها عبادت نکند.

شیخ کلینی رحمه الله به اسناد خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمود: «ساعه من امام عدل افضل من عباده سبعين سنه، وحد يقام الله في الارض افضل من مطر اربعين صباحا».<sup>(36)</sup> ساعتی از (دولت) پیشوای عدل برتر از عبادت هفتاد سال است، و حدی که برای خدا در زمین بر پا شود برتر از چهل روز باران است.

آنچه با دولت عدالت مهدی علیه السلام ظهور می کند قابل بیان و توصیف نیست که ساعتی از آن دولت فرخنده چنان دلها را پاک کند و زشتیها را بزدايد و همه چیز را شکو و پربار کند که در تصور نیز نگنجد.

دولت مهدی علیه السلام چون سرمای بهاری است که هر موجودی را که شایستگی و استعداد زنده شدن و کمال یافتن داشته باشد، زنده کند و به کمال خود برساند. دم مسیحایی او زنده کننده زمین و آدمیان است.

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید	که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش	زده ام فالی و فریاد رسی می آید
ز اتش وادی ایمن نه منم خرم و بس	موسی اینجا به امید قبسی می آید
هیچکس نیست که درکوی تو اش کاری نیست	هر کس آنجا به طریق هوسی می آید
کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست	این قدر هست که بانگ جرسی می آید
جرعه ای ده که به میخانه ارباب کرم	هر حریفی ز پی ملتسمی می آید
دوست را گر سر پرسیدن بیمار غم است	گو بران خوش که هنوزش نفسی می آید

خبر بلبل این باغ میرسید که من ناله ای می شنوم کز قفسی می آید  
یار دارد سر صید دل حافظ یاران شاهبازی به شکار مگسی می آید<sup>(37)</sup>

مهدی بهار مردمان و خرمی زمان است: «السلام علی ربیع الانام ونضره الایام». ودولت او، دولت عقل وفطرت است، دولت حیات مردمان وزمینیان است وهمه را به برگ و بار می نشاند: «توقوا البرد فی اوله، وتلقوه فی آخره، فانه یفعل فی الابدان کفعله فی الاشجار، اوله یحرق و آخره یورق».<sup>(38)</sup> بیرهیزید از سرما در آغازش (در پاییز) واستقبال کنید از آن در آخرش (نزدیک بهار) زیرا در بدنها همان می کند که با درختان می کند، در آغاز خشک می کند و در آخر برگ می آورد.

ملای رومی این بیان (نقش احیا کننده سرمای بهار) را از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به زیبایی تمام آورده و به باطن کلام و نقش اولیای خدا در احیای موجودات اشاره کرده است:

گفت پیغامبر ز سرمای بهار تن میپوشانید یاران زینهار  
زانک با جان شما آن می کند کان بهاران با درختان می کند  
لیک بگریزید از برد خزان کان کند کان کرد با باغ و رزان  
راویان این را به ظاهر برده اند هم بر آن صورت قناعت کرده اند  
بی خبر بودند از جان آن گروه کوه را دیده، ندیده کان به کوه  
آن خزان نزد خدا نفس و هواست عقل و جان عین بهار است و بقاست<sup>(39)</sup>

## امنیت فراگیر

دولت مهدی علیه السلام دولت بهار حقیقت و مردمان است. این دولت امنیتی فراگیر و همه جانبه را به ارمغان می آورد. امنیت اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فردی. در دولت او توحید بر همه چیز و همه کس سایه می افکند و زمین و زمان به امنیت می رسد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یقاتلون حتی یوحّدوا الله ولا یشرک به شیئا، وتخرج العجوزه الضعیفه من المشرق ترید المغرب لا یوذیها احد». <sup>(40)</sup> می جنگند تا آنکه (همه مردم) خدا را به یگانگی بپذیرند و چیزی را با او شریک قرار ندهند، و (چنان امنیتی برقرار شود که) پیرزنی ناتوان از مشرق به مغرب رود و هیچ کس آزاری به او نرساند.

عدم امنیت در چهره های گوناگون آن، محصول و نتیجه شرک و بت پرستی است، و دولت مهدی، دولت زایل نده شرک در همه چهره هایش است. با زوال شرک اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، امنیتی که انسانها پیوسته در آرزوی آن به سر برده اند، رخ می نماید. زمین و زمان به آرامش می رسند و بارور می شوند.

شیخ صدوق رحمه الله به اسناد خود از امام صادق علیه السلام از پدران گرامیش از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده است که فرموده: «ولو قدم م قائمنا لانزلت السماء قطرها، ولا خرجت الارض نباتها، ولذهبت الشحناء من قلوب العباد واصطلحت السباع والبهائم، حتی تمشی المراه بین العراق الی الشام، لا تضع قدمیها الا علی النبات وعلی راسها زینتها ولا یهیجها سبع ولا تخافه». <sup>(41)</sup> روزی که قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت ببارد و زمین گیاه خود را برویاند و کینه ها از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهار پایان با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز نمایند.

تا آنجا که زنی از عراق تا شام را ببیماید و جز بر سبزه زار گام نگذارد و زینت و آرایش خود را بر سر داشته باشد (وکسی به آن طمع ننماید) و هیچ درنده ای او را آشفته نسازد و او نیز از هیچ چیز نهراسد. مهدی علیه السلام با قیام به عدالت و رفع موانع هدایت، راه عبودیت الله را بتمامه می گشاید و با تامین نیازهای

گوناگون انسان - اعم از مادی و معنوی - سیر کمال آدمیان را تدارک می کند، زیرا ابتدایی ترین نیازهای انسان، نیازهای مادی و معیشتی اوست و بلا فاصله نیازهای دیگری که تامین آن نیازها در حرکت کمالی انسان نقش اساسی دارد. امام صادق علیه السلام فرموده است: «ثابه يحتاج الناس طرا اليها: الامن والعدل والحصب». <sup>(42)</sup> سه چیز است که همه مردمان بدان محتاجند: امنیت، عدالت و فراوانی.

قرآن کریم در بحث از نیازهای انسان برای سیر، این حقیقت را گوشزد کرده است: (الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ). <sup>(43)</sup> اوست کسی که آنان را از نظر معیشت تامین کرد و از ترس امانشان داد.

تامین معیشت انسان، تدارک نخستین گامها در مسیر حرکت است که بدون آن و فارغ از اندیشه و تلاش در جهت عدالت اجتماعی، مقدمه لازم برای سیر او فراهم نمی شود، چنانکه امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «واعلم يا مفضل ان راس معاش الانسان وحياته الخبز والماء». <sup>(44)</sup> مفضل - بدن که راس و اساس معیشت انسان و زندگی او نان است و آب.

و پیامبر عدالت و دعوت کننده به عبودیت فرمود: «اللَّهُمَّ بارك لنا في الخبز ولا تفرق بيننا وبينه فلولاً الخبز ما صلينا ولا صمنا ولا ادينا فرائض ربنا». <sup>(45)</sup> خدایا به نان ما برکت عنایت فرما و میان ما و نان جدایی میفکن، زیرا اگر نان نباشد، نه نماز گزاریم و نه روزه داریم و نه واجبات الهی را ادا کنیم.

مردمان برای رشد و تعالی نیازمند امنیت، عدالت و فراوانی هستند و این معنا در دولت مهدی علیه السلام در حد آرمانی خود تحقق می یابد.

در آن روز برکات زمین و آسمان بر مردمان گشوده می شود: <sup>(46)</sup> (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ). <sup>(47)</sup> اگر مردم جوامع ایمان آوردند و تقوا پیشه کنند، هر آینه برکتها از آسمان و زمین بر آنان بگشاییم. دولت مهدی علیه السلام، دولت ایمان مردمان و تقوا پیشگی است، پس وعده خدا در آن روز تحقق کامل یابد و نیکیها و نعمتها فراگیر شود، باران رحمت بیارد و زمین بی دریغ نعمتهای خود را در اختیار مردمان گذارد و کینه از دلها زدوده شود و امنیت در همه ابعادش ظهور یابد و به سبب عدالت همگان بی نیاز شوند که امام کاظم علیه السلام فرموده است: «لو عدل في الناس لاستغنوا». <sup>(48)</sup> چنانچه در میان مردم عدالت جاری شود، بی نیاز گردند.

## سیرت اقتصادی

بی نیازی مردمان به سبب تحقق عدالت تام و تمام و فراوانی و عمران و آبادی در اوج کمال و تقسیم اموال به مساوات، از مشخصات سیرت اقتصادی مهدی علیه السلام است. آن حضرت تمام مناسبات نا سالم اقتصادی را زیر پای می گذارد و محو و نابود می کند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «اذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع»<sup>(49)</sup> زمانی که قائم ما قیام کند، قطائع از بین می رود به طوری که دیگر قطایی در میان نخواهد بود.

زمین هایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود در آورده یا واگذار کرده اند و در حقیقت متعلق به امام علیه السلام است، در جایگاه خود قرار می گیرد. استثمار و استعمار پایان می پذیرد. همگان به رفاه و آسایش می رسند. مهدی علیه السلام اموال را به وفور در اختیار مردمان می گذارد. نعمانی رحمه الله به اسناد خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«تجمع الیه اموال الدنيا من بطن الارض وظهرها، فيقول للناس: تعالوا الی ما قطعتم فیہ الارحام، و سفکتهم فیہ الدماء الحرام، و رکبتم فیہ ما حرم الله عز وجل، فیطعی شیئا لم یعطه احد کان قبله، ویملا الارض عدلا و قسطا و نورا کما ملئت ظلما و جورا و شرا»<sup>(50)</sup> تمام اموال زمین - آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین است - نزد مهدی علیه السلام گرد آید، آن گاه او به مردمان گوید: بیایید و این اموال را بگیرید. اینها همان چیزهایی است که به خاطرش قطع رحم کردید و خونها به ناحق ریختنید و مرتکب گناهان شدید. او دست به بخشش زند و آن قدر ببخشد که تا آن روز کسی چنان بخششی نکرده باشد. و زمین را لبریز از عدالت و داد و نور گرداند همان گونه که لبریز از ستم و بیاداد و شر شده باشد. مهدی علیه السلام همگان را بی نیاز می کند که در دولت او زمین همه استعدادهای خود را بروز می دهد و داراییها انبوه می شود.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایت شده است: «تنعم فیہ امتی نعمه لم ینعموا مثلها قط توتی الارض اکلها ولا تدخر منهم شیئا و المال یومئذ کدوس»، یقم الرجل فیقول: یا مهدی اعطنی فیقول: خذ.<sup>(51)</sup> در آن زمان امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد، زمین بتمامه

محصول دهد و هیچ را از آنان دریغ ندارد، و اموال انبوه شود. هر کس نزد مهدی آید و گوید: به من مالی ده - مهدی بی درنگ گوید: بگیر. آن حضرت اموال را به مساوات میان مردم تقسیم می کند تا همگان از دغدغه نیازمندی آزاد شوند.

ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ چنین نقل کرده است: «ابشرکم بالمهدی... یرضی عنه ساکن السماء وساکن الارض یقسم المال صحاحا». فقال له رجل: وما صحاحا؟ قال: «السویه بین الناس». (52) شما را مژده می دهم به آمدن مهدی... ساکنان آسمان و زمین از او راضی هستند و مهدی مال را به طور صحیح تقسیم می کند. مردی از پیامبر پرسید: به طور صحیح یعنی چه؟ رمود: یعنی به مساوات میان مردم تقسیم می کند. عبد الله بن مسعود نیز از پیامبر ﷺ روایت کرده است که در این باره فرمود: «یقسم المال بالسویه ویجعل الله الغنی فی قلوب هذه الامه». (53)

مهدی مال را به مساوات تقسیم می کند و قلبهای امت محمد را لبریز از بی نیازی خواهد کرد. در نتیجه تحقق سیرت اقتصادی مهدی ﷺ، نیازمندی باقی نمی ماند تا به او زکات داده شود. امام باقر ﷺ فرمود: «یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجا الی الزکاه». (54) مهدی اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می کند که دیگر نیازمندی یافت نمی شود تا به او زکات دهند.

بی نیازی اقتصادی در دولت مهدی ﷺ تا بدانجاست که دلهای امت محمد ﷺ لبریز از بی نیازی می شود و حرص به داشتن و گنجینه کردن و انبوه ساختن زدوده می شود و چون مهدی ﷺ ندا دهد که هر کس مالی می خواهد بیاید و برگردد، جز یک نفر پیدا نشود و او نیز پشیمان گردد و مال برگرفته را باز گرداند. (55) مهدی ﷺ بی دریغ و بی شمارش بخشش می کند چنانکه در خبر جابر بن عبدالله از رسول اکرم ﷺ روایت شده است: «یقسم المال ولا یعده». (56)

اموال را بدون آنکه شمارش نماید تقسیم می کند. بدین ترتیب مردمان با همه وجود و از صمیم قلب از داشتن و گنجینه کردن و انبوه سازی، احساس بی نیازی می کنند همان گونه که پیامبر اکرم ﷺ نوید آن را داده است: «یملا الله قلوب امه محمد ﷺ غنی ویسعهم عدله». (57) دلهای پیروان محمد ﷺ را لبریز از بی نیازی می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد.

«اذا خرج المهدي القى الله الغنى في قوب العباد».<sup>(58)</sup> زمانی که مهدی قیام کند، خدوند در قلب بندگان بی نیازی افکند. در نظام اقتصادی که مهدی عليه السلام بر پا می سازد، روابط اقتصادی چنان است که در معاملات سودی گرفته نمی شود. علی بن سالم از پدرش نقل کرده است که گفت از امام صادق عليه السلام پرسیدم: این روایت که سود گرفتن مومن از مؤمن رباست معنایش چیست؟

حضرت فرمود: «ذاک اذا ظهر الحق وقام قائمنا اهل البيت واما اليوم فلا باس بان يبيع من الاخ المؤمن ويربح عليه».<sup>(59)</sup> این به هنگام ظهور حق و قیام قائم اهل بیت است، اما اکنون اگر کالایی بفروشد و سود بگیرد اشکالی ندارد. دولت مهدی عليه السلام بر اساس چنین روابط و مناسبات اقتصادی، شرق و غرب جهان را فرا می گیرد و همه جا را عمران و آباد می سازد.

محمد بن مسلم گوید از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود: «يبلغ سلطانه المشرق والمغرب... فلا يبقى في الارض خراب الا قد عمر».<sup>(60)</sup> دولت مهدی شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و در سر تا سر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر اینکه آن را آبد خواهد ساخت. ظهور برکات و مناسبات عادلانه در دولت مهدی عليه السلام چنان است که حتی مردگان آرزوی بازگشت به دنیا و زندگی در دولت کریمه او و در سایه سیرت او را خواهند داشت.

ابو سعید خدری از رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل کرده است که فرمود: «لا تدخر الارض من بذرها شيئا الا اخرجته ولا السماء من قطرها شيئا الا صبه الله عليهم مدرارا... تتمنى الاحياء الاموات مما صنع الله عز وجل باهل الارض من خيره».<sup>(61)</sup> زمین آنچه از برکات در دل خود دارد، بیرون می ریزد و آسمان نیز از بارش خود چیزی فرو گذار نکرده، پیوسته بر آنان می بارد... از بس خدای بزرگ برای مردم خیر پیش می آورد، مردگان آرزوی بازگشت به زندگی می کنند.

سیرت مهدی عليه السلام مطلوب دلها و دولت مهدی عليه السلام حد نهایی رضایت انسانهاست. نه تنها انسانها که زمین و آسمان و همه موجودات از دولت و سیرت او رضایت مندند. در حدیث حدیفه بن یمان از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم آمده است: «يرضى بخلافة اهل السماوات والارض والطير في الجو».<sup>(62)</sup> از خلافت و دولت او، اهل آسمان و زمین و پرندگان آسمان راضی خواهند بود.

## سیرت فرهنگی

تحقق این دولت و ظهور چنین مناسباتی، نتیجه و محصول تحولی اساسی در درون انسانهاست. با ظهور دولت عدالت و رفع همه موانع ترتیب، خردها به کمال می رسد و اخلاق نیکو کامل می شود. ابوخالد کابلی از امام باقر علیه السلام درباره تحول مبارکی که در خرد و اخلاق مردمان به دست مهدی علیه السلام صورت می گیرد، چنین روایت کرده است: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم واکمل به اخلاقهم».<sup>(63)</sup> چون قائم ما قیام کند، دست خود را روی سر بندگان می گذارد و بدین ترتیب خردهای مردمان را به کمال می رساند و اخلاقشان را کامل می کند.

اصلاح روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جز در پرتو تربیتی الهی ممکن نمی شود، تربیتی که اساس آن بر رشد و اکمال خردها و فرزاندگی مردمان قرار گرفته باشد. در خبری دیگر از امام باقر علیه السلام در این باره آمده است: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد، فجمع بها عقولهم وکملت بها احلامهم».<sup>(64)</sup> چون قائم ما قیام کند دست خود را روی سر مردمان می گذارد و بدین وسیله خردهای بندگان را به کمال می رساند و فرزاندگی آنان را تمام می نماید.

بدین ترتیب در دولت مهدی علیه السلام، سیرت تربیتی آن حضرت چنین است که با تایید الهی، خردهای مردمان را به کمال رساند و فرزاندگی را در آنان تمام نماید،<sup>(65)</sup> و در نتیجه با این انقلاب فرهنگی، آرمانهای اصلاحی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق یابد و ریشه دار گردد و پا بر جا بماند. انقلاب فرهنگی در دولت مهدی علیه السلام چنان عمیق و فراگیر است که همه مردم علم و حکمت می آموزند، همگان با کتاب خدا و سنت پیامبر بر اساس فهمی عمیق آشنا می شوند تا جایی که زنان در خانه ها را اساس کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کنند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: توتون الحکمه فی زمانه حتی ان المرأه لتتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم.<sup>(66)</sup> در دولت مهدی علیه السلام به همه مردم علم و حکمت می آموزند تا آنجا که زنان در خانه ها با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند.



بی گمان هیچ انقلابی بدون یک تحول فکری و فرهنگی اساسی، راه به جایی نخواهد برد و انقلابی عظیم چون انقلاب مهدی علیه السلام و تاسیس دولتی با آن ویژگیها که یاد شد، نیازمند انقلابی بزرگ در فرهنگ و آموزش و تربیت است. نظام الهی بر خرد و بصیرت و دانش استوار است و سلامت جوامع و آبادی سرزمینها، در معنای تام آن، بر معرفت و علم تام استوار است.

از این رو در عصر حاکمیت مهدی علیه السلام تحولی شگفت در علم و دانش رخ می نماید و درهای همه معرفتها و دانشها به روی مردمان گشوده می شود. امام صادق علیه السلام فرموده است: «العلم سبعة وعشرون حرفا فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة والعشرين حرفا فبثها في الناس وضم اليها الحرفين، حتى يثبتها سبعة وعشرين حرفا». <sup>(67)</sup> علم و دانش بیست و هفت حرف است و تمام آنچه پیامبر برای مردم آورده اند، دو حرف بیش نبوده است و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته اند اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می سازد.

رشد و شکوفایی علم و دانش در دولت مهدی علیه السلام تا آنجاست که یاران آن حضرت بدون هیچ واسطه ای با امام سخن می گویند و او را می بینند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در این باره آمده است: «ان قائمنا اذا قام مد الله لشيعتنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم وبين القائم برید يكلمهم فيسمعون و ينظرون اليه وهو في مكانه». <sup>(68)</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند چندان نیرو به گوش و چشم شیعیان ما می دهد که میان آنان و قائم قاصدی نخواهد بود، قائم با آنان سخن می گوید و ایشان نیز صدای او را همان جا که هست می شنوند و به او نگاه می کنند.

تحول فرهنگی در دولت مهدی علیه السلام، همه ابعاد وجودی مردمان را متحول می کند و از نقص به کمال می رساند. حتی بیماریها و ضعفها و ناتوانیهای مردمان برطرف می شود، مردمان خردمند، فرزانه، حکیم، عالم، سالم و قوی می شوند. امام باقر علیه السلام فرموده است: من ادرك قائم اهل بيتي من ذی عاهه برا ومن ذی ضعف قوی. <sup>(69)</sup> هر کس قائم ما اهل بیت را ببیند، اگر بیماری داشته باشد بهبود می یابد و چنانچه ضعیف باشد نیرومند می گردد.

## سیرت اجتماعی

در پر تو سیرت فرهنگی مهدی علیه السلام روابط اجتماعی سامانی دیگر می یابد. یکرنگی و یگانگی میان مردمان جاری می شود و دوستی و رحمت قلبها را پر می سازد و مساوات و موااسات اجتماعی جلوه می کند. کسی به کسی ستم روا نمی دارد و یاری و دستگیری یکدیگر، واجبی همگانی می شود چنانکه در خبر اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام آمده است: «انما ذلک اذا قام قائمنا و جب علیهم ان یجهزوا اخوانهم و ان یقووهم». <sup>(70)</sup> این به هنگام ظهور قائم ما است که در آن روزگار واجب همگانی است که به یکدیگر وسائل زندگانی برسانند و نیرو بخشند.

در آن دوران حرص و بخل در روابط اجتماعی جایی نخواهد داشت و یکرنگی و یگانگی چنان بر رفتار اجتماعی حاکم شود که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب برادرش بردارد، نه این شرمنده باشد و نه آن ناراحت. چنین رابطه و پیوندی میان برادران ایمانی، از ویژگی های سیرت اجتماعی آن دوران است. برید عجلی گوید به امام باقر علیه السلام گفته شد که در این زمان شیعیان و پیروان شما در کوفه جمعیتی کثیر محسوب می شوند و چنانچه ایشان را فرمان دهی (تا قیام کنند و به مبارزه برخیزند) اطاعت کنند و پیروی نمایند. امام علیه السلام فرمود: آیا روابط اجتماعی آنان بدین گونه است که کسی از ایشان (در وقت نیاز) سر جیب برادرش رود و نیاز خود برگیرد؟ گفتند: خیر، چنین نیست.

امام علیه السلام فرمود: پس آنان به خون خود بخیلتر خواهند بود. آن گاه امام علیه السلام درباره روابط اجتماعی در عصر امام زمان علیه السلام فرمود: «اذا قام القائم... یاتی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ حاجته لا یمنعنه». <sup>(71)</sup> زمانی که قائم ما قیام کند، کسی (که نیاز دارد) به سر جیب برادرش می رود و نیاز خود را بر می گیرد و او نیز مانعش نمی شود.

البته رسیدن به این مرز از روابط اجتماعی، خود محصول رشد عقلی و تکامل روح آدمی است. اگر اهل ایمان به رشد و کمال برسند جز این نخواهند بود.

امام باقر علیه السلام به سعید بن حسن فرمود: «ای بی‌جیء احدکم الی اخیه فیدخل یده فی کیسه فیأخذ حاجته فلا یدفعه؟» فقلت: ما اعرف ذلک فینا. فقال ابو جعفر علیه السلام: «فلا شیء اذا». قلت: لهلاک اذا؟ فقال: «ان القوم لم یعطوا احلامهم بعد». <sup>(72)</sup> آیا این گونه است که کسی از شما نزد برادر دینی خود برود و دست در جیب او ببرد و هر چه لازم دارد بردارد و او مانع نشود؟ راوی گوید گفتم: چنین چیزی را میان خودمان نمی بینیم.

امام فرمود: چیزی از حقیقت تشیع تحقق نیافته است. راوی گوید: آیا با این وضع سرنوشت ما هلاکت است؟ فرمود: مردم هنوز به رشد عقلی نرسیده اند. یعنی عقلشن کامل نشده است و هنوز به آن مرتبه از کمال نرسیده اند که چنین تکلیفی را حمل کنند، <sup>(73)</sup> ولی در دولت مهدی علیه السلام این مرتبه از کمال انسانی و اجتماعی تحقق می یابد. اخلاق اجتماعی در آن زمان بر مبنای سلامت نفس ها و پاکی دلها ظهور می یابد. <sup>(74)</sup> امانتها به درستی ادا می شود. <sup>(75)</sup> امنیت اجتماعی در حد نهایی فراهم می شود. <sup>(76)</sup> مردم به عبادتهای اجتماعی - از سر ایمان و تقوا - روی می آورند. <sup>(77)</sup>

حقوق اجتماعی در همه امور رعایت می شود و هیچ گونه ستم اجتماعی بر کسی روا نمی شود. <sup>(78)</sup> حدیث امام صادق علیه السلام گویای این حقیقت در سیرت اجتماعی مهدی علیه السلام است: «اول ما یظهر القائم من العدل ان ینادی منادیه ان یسلم صاحب الناه لصاحب الفریضه الحجر الاسود و الطواف». <sup>(79)</sup> نخستین ظهور عدالت قائم آن است که سخنگویان او در مکه فریاد می کنند که هر کس نماز واجب خود را در کنار حجر الاسود و محل طواف خوانده است و می خواهد نافله بخواند، به کناری رود تا حق دیگران پایمال نشود. و آنان که می خواهند نماز واجب بخوانند، بیایند و بخوانند.

## سیرت مدیریتی

بدین ترتیب با ظهور دولت مبارک مهدی علیه السلام، سیرت مدیریتی او بر اساس عدالت محض جلوه می کند. آن حضرت در اداره امور از نظر اقتصادی گشاده دست است و اموال را برای آسایش و رفاه مردمان با سخاوت به کار می گیرد و نسبت به محرومیت کشیدگان و مسکینان، مهربان و دل رحم است و برای آنکه ذره ای ستم از جانب دولت و کارگزاران نظام او بر کسی نرود و حقی ضایع نشود، نسبت به مسئولان و کارگزاران خود سختگیر است.

دولت او دولت عدالت محض است، پس جای هیچ گونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد و سختگیری آن حضرت نسبت به مسئولان و کارگزارانش بدین خاطر است. <sup>(80)</sup> در خبری در این باره آمده است: «المهدی جواد بالمال رحیم بالمساکین شدید علی العمال». <sup>(81)</sup> مهدی نسبت به مال و دارایی بخشنده است و نسبت به مسئولان و کارگزاران دولت خویش بسیار سختگیر است و نسبت به ناتوانان و مستمندان بسیار دل رحم و مهربان است.

مهدی علیه السلام بر اساس کتاب خدا به عدالت مدیریت می کند و هواپرستی را به خداپرستی سوق می دهد و همه افکار و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد و نشان می دهد که حکومت عدل یعنی چه. او برای حفظ این اساس، مسئولان و کارگزاران ستمگر را با دقت مواخذه می نماید و هر که را یا از سیرت عدالت بیرون نهاده است، به سختی مجازات می نماید، امیر مؤمنان علیه السلام درباره دولت و سیرت مهدی علیه السلام چنین خبر داده است:

«يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى، ويعطف الراى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الراى... الا وفي غد - وسياتي غد بما لا تعرفون - ياخذ الوالى من غيرها عمالها على مساوىء اعمالها، وتخرج له الارض افاليد كبدها، وتلقى اليه سلما مقاليدها، فيريكم كيف عدل السيره، ويحيى ميت الكتاب والسنه». <sup>(82)</sup>

(چون مهدی ظهور کند) خواهشهای نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، و آن هنگامی است که مردم رستگاری را تابع هوا ساخته اند، و رای آنان را پیرو قرآن کند، و آن هنگامی است که قرآن را تابع رای خود کرده اند... آگاه باشید که فرا - و فردا پس از این با چیزهایی که نمی شناسید می آید - کسی بر شما

حکومت خواهد کرد که غیر از خاندان حکومتهاست، او مسئولان و کارگزاران را به جرم کردار زشتشان کیر خواهد کرد.

زمین گنجینه های خود را برای او خارج خواهد ساخت و کلیدهایش را تسلیم وی خواهد نمود. آن گاه است که مهدی به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل کدام است؟ او کتاب و سنت را که پیش از او مرده اند، زنده خواهد ساخت. مهدی علیه السلام در اداره امور برای حفظ عدالت و حقوق مردمان و حیثیت دین، به روشی نو و مناسب با عصر خود و تحولاتی که در طول تاریخ رخ داده است تا مردمان به آن نقطه رسیده اند، عمل می کند.

در ضاوتها و احکام مهدی، و در حکومت وی، سر سوزنی ظلم و بیداد بر کسی نرود، ورنجی بر دلی ننشیند. مهدی علیه السلام بر طبق احکام خالص دینی (بدون توجه به آرا و انکار دیگران و فقها و علمای مذاهب)، حکم و حکومت می کند. مهدی، میزان عدل را، در میان مردم نهد، و بدین گونه هیچ کس نتواند به دیگری ستمی کند. مهدی، قضاوتی جدید آورد... مهدی، به حکم داوود و آل داوود حکم کند، و از مردم بینه و شاهد نطلبد.

شیخ مفید، می گوید: چون قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، مانند حضرت داوود علیه السلام، یعنی بر حسب باطن، قضاوت کند، و بی هیچ نیازی به شاهد حکم دهد. مهدی نقشه های پنهانی هر گروه را بداند و به آنان، آن نقشه ها را بگوید. مهدی، دوست و دشمن خود را، با نگاه بشناسد. <sup>(83)</sup> در روش زمامداری مهدی علیه السلام میان او و مردمش هیچ فاصله و حجابی نیست، به گونه ای که آن حضرت با آنان سخن می گوید و ایشان نیز صدای او را همان جا که هست می شنوند و به او نگاه می کنند. <sup>(84)</sup>

## سیرت فردی

زاممداری که با قدرت تمام به عدالت بر شرق و غرب جهان حکم می راند و برکات زمین و آسمان بر دولت و گشوده می شود و زمین گنجینه های خود را برای او خارج ساخته کلیدهایش را تسلیم وی می کند، در نهایت زهد و ساده زیستی زندگی می کند و از سیرت ساده زیتسی که پدرانش بدان پایبند بودند، خارج نمی شود.

در خبر ابوبصیر از امام صادق علیه السلام این گونه آمده است: «فوالله ما لباسه الا الغلیظ ولا طعامه الا الجشب».<sup>(85)</sup> به خدا سوگند که لباس مهدی جز پوشاکی درشت و خوراک او جز خوراکی سخت و بی خورش چیزی دیگر نخواهد بود.

همین خبر از طرق دیگر نیز با مختصر اختلاف روایت شده است.<sup>(86)</sup> و گویای آن است که علی رغم رفاه همگانی و بی نیازی همه مردمان، مهدی علیه السلام به سیرت ساده زیستی عمل می کند و از اصل زهد دور نمی شود.<sup>(87)</sup>

امیرمؤمنان علیه السلام درباره جایگاه زهد در دین و دینداری فرموده است: «الزهد اصل الدین».<sup>(88)</sup> زهد اصل دین است. «الزهد اساس الیقین».<sup>(89)</sup> زهد اساس یقین است. با وجود دلبستگی به دنیا، اصلاحی صورت نمی گیرد و همه مصلحان الهی، زاهد بوده، از دلبستگی به دنیا آزاد بوده اند چنانکه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «ما اتخذ الله نبیا الا زاهدا».<sup>(90)</sup> خداوند هیچ پیامبری را برنگزید مگر آنکه زاهد بود.

آن امام حق در رفتار خود از هر گونه تکلفی بری است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «نحن معاشر الانبیاء والامناء والاتقیاء براء من التکلف».<sup>(91)</sup> ما گروه پیامبران و امنای پروردگار و پرهیزگاران از تکلف به دور هستیم. سلام بر دولت او و سیرت او. «اللهم انصره وانتصر به لدینک». خدایا، یارایش کن و به دست او دینت را پیروز گردان.

«وانصر به اولیاءه وشیعته وانصاره واجعلنا منهم». خدایا، دوستان خود را و دوستان او و پیروان و یارانش را به وسیله او یاری نما و ما را نیز از آنان قرار ده.

«واظهر به العدل، وايده بالنصر، وانصر ناصريه، واخذل خاذليه، واقصم قاصميه، واقصم به جباره الكفر، واقتل به الكفار والمنافقين وجميع الملحدين، حيث كانوا من مشارق الارض ومغاريها، برها ومجرها». خدايا، به دست او عدالت را آشكار ساز، وبا نصرت خود تاييدش نما، وياورانش را يارى كن، وآنان را كه وا نهندش يارى مكن، و كويندگانش را درهم كوب، و زورمداران كفر را به دست او درهم شكن، و كافران و منافقان و همه بى دينان را، به وسيله او نابود ساز، در هر كجا كه باشند: در مشرق و مغرب زمين، در خشكى يا دريا. واملاء به الارض عدلا، واظهر به دين نبىكَ ﷺ. خدايا، به دست او زمين را از عدل پر كن ودين پيامبرت ﷺ را آشكار فرما.

«واجعلنى اللّهُمَّ من انصاره واعوانه واتباعه وشيعته». <sup>(92)</sup> خدايا، مرا از ياوران و پشتيبانان و پيروان و شيعيانش قرار ده.

## پی نوشت ها:

1. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1364 ش. زیارت حضرت صاحب الامر، ص 970 - 969.
2. ر.ک: محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1360 ش. ص 137 - 136.
3. دعای افتتاح، مفاتیح الجنان، ص 326.
4. ابو جعفر محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، صححه وعلق علیه علی اکبر الغفاری، دار الکتب الاسلامیه، طهران، 1388 ق. ج 8، ص 278.
5. ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، الغیبه، الطبعة الثانیه، مکتبه بصیرتی، قم، 1408 ق. ص 112، ونیز ر.ک: ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، کمال الدین وتمام النعمه، مکتبه الصدوق، طهران، 1395 ق. ج 1، ص 318، امین الاسلام ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مکتبه المرعشی النجفی، قم، 1403 ق. ج 4، ص 152، 67.
6. در علم بدیع اصطلاحی وجود دارد به نام حسن الابتداء یا براهه المطلاع یا براهه الاستهلال که از زیورهای کلام و شعر است. اگر خطیب و شاعر سخن خود را با عباراتی آغاز کند که رقیق و سهل و روشن و واضح از نظر معنی باشد و به گونه ای بیاورد که مستقل از آنچه بعد می آید بوده، مناسب مقام باشد و نیز جاذب و موثر بوده و معرف آنچه در ادامه سخن می آید باشد، این کلام دارای براهه المطلاع است.
7. ر.ک: تقی الدین ابو بکر بن علی المعروف به ابن حجه الحموی، خزانه الادب و غایه الارب، شرح عصام شعیب، دار و مکتبه الهلال، بیروت، 1987 م. ج 1، ص 19، محمد بن عبد الرحمن الخطیب القزوینی، الايضاح فی علوم البلاغه، شرح و تعلیق و تنقیح محمد عبد المنعم خفاجی، دار الکتب اللبنانی، بیروت، 1405 ق. ج 2، ص 594 - 595، احمد الهاشمی، جواهر البلاغه، دار الکتب العلمیه، بیروت، ص 342 - 341.
8. اللزومیات، الطبعة الثانیه، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1406 ق. ج 2، ص 352.
9. ابو النصر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی المعروف بالعیاشی، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم الرسولی المحلاتی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، طهران، ج 1، ص 65، هاشم بن سلیمان الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ج 1، ص 164.
10. کمال الدین، ج 2، ص 654، محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، الجامعه لعلوم الائمه الاطهار، الطبعة الثالثه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1403 ق. ج 52، ص 323.
11. ر.ک: بحار الانوار، ج 52، ص 323 (بیان علامه مجلسی ذیل حدیث یاد شده).
12. کمال الدین، ج 2، ص 673 - 672، بحار الانوار، ج 52، ص 326.



12. قرآن، قص 5.

13. ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق)، الخصال، صححه وعلق عليه علي اكبر الغفاري، مكتبه الصدوق، طهران، 1389 ق. ج 2، ص 541، بحار الانوار، ج 52، ص 317.

14. ابو الحسن محمد الشريف الرضي، نهج البلاغه، ضبط نصه وابتكر فهارسه العلميه صبحي الصالح، الطبعة الاولى، دار الكتاب اللبناني، بيروت، 1387 ق. خطبه 1.

15. كمال الدين، ج 2، ص 411.

16. محمد بن ابراهيم النعماني، الغيبة، مكتبه الصدوق، طهران، ص 231، بحار الانوار، ج 52، ص 353 - 352.

17. محمد بن النعمان البغدادي الملقب بالمفيد، الارشاد في معرفه حجج الله على العباد، صححه واخرجه السيد كاظم الموسوي الميامي، دار الكتب الاسلاميه، طهران، 1377 ق. ص 343، ابو الحسن علي بن عيسى الاربلي، كشف الغمه في معرفه الائمه، مكتبه بنى هاشم، تبريز، 1381 ق. ج 2، ص 465، بحار الانوار، ج 52، ص 338.

18. ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، تهذيب الاحكام، دار الكتب الاسلاميه، طهران، 1390 ق. ج 6، ص 154، محمد بن الحسن الحر العاملي، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، بتصحيح وتحقيق وتذييل عبد الرحيم الرباني الشيرازي، دار احياء التراث العربي، بيروت، ج 11، ص 57.

19. غيبه النعماني، ص 231، بحار الانوار، ج 52، ص 353.

20. خورشيد مغرب، ص 46 - 44.

21. غيبه الطوسي، ص 32.

22. غيبه النعماني، ص 233، بحار الانوار، ج 52، ص 354.

23. قرآن، آل عمران 83.

24. الارشاد، ص 344 - 343، كشف الغمه، ج 2، ص 465، بحار الانوار، ج 52، ص 339 - 338.

25. لطف الله الصافي الكليبايگاني، منتخب الاثر في الامام الثاني عشر، الطبعة الثالثه، مكتبه الصدر، طهران، ص 474.

26. كمال الدين، ج 1، ص 317، عبد علي بن جمعه العروسي الحويزي، تفسير نور الثقلين، صححه وعلق عليه واشرف علي طبعه هاشم الرسولي المحلاتي، دار الكتب العلميه، قم. ج 5، ص 243 - 242.

27. قرآن، حديد 17.

28. كمال الدين، ج 2، ص 668، تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 242.

29. الكافي، ج 8، ص 267، بحار الانوار، ج 75، ص 353، تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 243.

30. قرآن، روم 19.

31. الكافي، ج 7، ص 174، تفسير نور الثقلين، ج 4، ص 173.

32. عبد الواحد التميمي الامدي، غرر الحكم ودرر الكلم، موسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت، 1407 ق. ج 1، ص 25، حسين النوري الطبرسي، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، تحقيق موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، الطبعة الثانيه، بيروت، 1408 ق. ج 11، ص 318.
33. غرر الحكم، ج 1، ص 335. مستدرک الوسائل، ج 11، ص 320.
34. محمد بن محمد الشعيري، جامع الاخبار، تحقيق حسن المصطفوي، مركز نشر الكتاب، طهران، 1382 ق. ص 180، بحار الانوار، ج 75، ص 352، مستدرک الوسائل، ج 11، ص 317.
35. جمال الدين محمد خوانساري، شرح غرر الحكم، با مقدمه وتصحيح وتعليق مير جلال الدين حسيني ارموي، انتشارات دانشگاه تهران، 1360 ش. ج 2، ص 30، مستدرک الوسائل، ج 11، ص 319.
36. الكافي، ج 7، ص 175.
37. شمس الدين محمد حافظ شيرازي، ديوان اشعار، به اهتمام انجوى شيرازي، انتشارات محمد على علمي، 1346 ش. ص 111.
38. نهج البلاغه، حكمت 128.
39. جلال الدين محمد بلخي (مولوي)، مثنوي معنوي، به اهتمام رينولد نيكلسون، ليدن، 1925 م. افست موسسه مطبوعاتي علمي، دفتر اول، ج 1، ص 125 - 124.
40. منتخب الاثر، ص 308 (از ينيابيع الموده)، با مختصر اختلاف: بحار الانوار، ج 52، ص 345 (از تفسير العياشي).
41. الخصال، ج 2، ص 626، بحار الانوار، ج 52، ص 316، منتخب الاثر، ص 474.
42. ابو محمد الحسن بن علي بن الحسين بن شعبه الحراني، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، مكتبه بصيرتي، قم، 1394 ق. ص 236.
43. قرآن، قريش 4.
44. بحار الانوار، ج 3، ص 87، محمد الخليلي، من امالي الامام الصادق وهو شرح ما املاه الامام علي بن ابي طالب عليه السلام على تلميذه المفضل بن عمر الجعفي، موسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت، 1404 ق. ج 1، ص 305.
45. الكافي، ج 5، ص 73، ج 6، ص 287، وسائل الشيعه، ج 12، ص 17.
46. قطب الدين ابو الحسين سعيد بن هبه الله الراوندي، الخرايج والجرايح، تحقيق ونشر موسسه الامام المهدي عليه السلام، قم، الطبعة الثانيه، موسسه النور للمطبوعات، بيروت، 1411 ق. ج 2، ص 850 - 849.
47. قرآن، اعراف 96.
48. الكافي، ج 1، ص 542، ج 2، ص 568.
49. ابو العباس عبد الله بن جعفر الحميري القمي، قرب الاسناد، مكتبه نينوي الحديثه، طهران، ص 41، بحار الانوار، ج 52، ص 309.
50. غيبه النعماني، ص 238 - 237، بحار الانوار، ج 52، ص 351.

51. ابو عبد الله محمد بن يزيد القزويني ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فواد عبد الباقي، دار احياء التراث العربى، بيروت، 1395 ق. ج 2، ص 1366، ابو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابورى، مستدرک على الصحيحين، دار المعرفه، بيروت ج 4، ص 558، ابو عبد الله محمد بن يوسف الكنجى الشافعى، البيان فى اخبار صاحب الزمان عليه السلام، قدم له وعلق عليه محمد مهدى الخرسان، مؤسسه الهادى للمطبوعات، قم، 1399 ق. ص 109، نور الدين على بن ابي بكر الهيثمى، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الكتاب العربى، بيروت، 1402 ق. ج 7، ص 317، كشف الغمه، ج 2، ص 479 - 478، بحار الانوار، ج 51، ص 88.
52. ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل الشيبانى، مسند، دار احياء التراث العربى، بيروت، ج 3، ص 37، البيان، ص 123، كشف الغمه، ج 2، ص 471، مجمع الزوائد، ج 7، ص 313، بحار الانوار، ج 51، ص 92، 81، منتخب الاثر، ص 147.
53. كشف الغمه، ج 2، ص 474، بحار الانوار، ج 51، ص 84.
54. بحار الانوار، ج 52، ص 390.
55. مسند احمد حنبل، ج 3، ص 37، البيان، ص 123، كشف الغمه، ج 2، ص 471، رضى الدين ابو القاسم على بن موسى بن طاووس، الملاحم والفتن فى ظهور الغائب المنتظر عليه السلام، الطبعة السادسة، مؤسسه الوفاء، بيروت، 1403 ق. ص 71، مجمع الزوائد، ج 7، ص 313، بحار الانوار، ج 51، ص 91، منتخب الاثر، ص 147.
56. ابو الحسين مسلم بن الحجاج القشيرى، صحيح مسلم، بشرح النووى، دار الكتاب العربى، بيروت، 1407 ق. ج 18، ص 39.
57. مسند احمد حنبل، ج 3، ص 37، البيان، ص 123، كشف الغمه، ج 2، ص 471، مجمع الزوائد، ج 7، ص 313، بحار الانوار، ج 51، ص 91، منتخب الاثر، ص 147.
58. الملاحم والفتن، ص 71.
59. ابو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى (الشيخ الصدوق)، من لا يحضره الفقيه، صححه وعلق عليه على اكبر الغفارى، الطبعة الثانية، منشورات جماعه المدرسين، قم، ج 3، ص 313، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسى، تهذيب الاحكام، دار الكتب الاسلاميه، طهران، 1390 ق. ج 7، ص 178، وسائل الشيعه، ج 12، ص 294.
60. كمال الدين، ج 1، ص 331، منتخب الاثر، ص 482 (با مختصر اختلاف).
61. مستدرک الحاكم، ج 4، ص 465، منتخب الاثر، ص 146، البيان، ص 109 - 108 (با مختصر اختلاف).
62. البيان، ص 118.
63. بحار الانوار، ج 52، ص 336 (از الخرايج والجرايج).
64. كمال الدين، ج 2، ص 675، بحار الانوار، ج 52، ص 328.
65. «اذا قام قائمنا وضع الله يده على رويس العباد فجمع بها عقولهم وكملت به احلامهم». امام باقر عليه السلام، الكافى، ج 1، ص 25.
66. بحار الانوار، ج 52، ص 352 (از غيبه النعمانى).
67. همان، ص 336. (از الخرايج والجرايج).
68. همان.

69. همان، ص 335 (از الخرايج والجرايج).
70. وسائل الشيعه، ج 8، ص 415.
71. محمد بن النعمان البغدادي الملقب بالمفيد، الاختصاص، صححه وعلق عليه على اكبر الغفاري، منشورات جماعه المدرسين، قم، ص 24.
72. الكافي، ج 2، ص 174، بحار الانوار، ج 74، ص 255 - 254.
73. ر.ك: محمد باقر المجلسي، مرآه العقول في شرح اخبار آل الرسول، اخراج ومقابله وتصحيح السيد هاشم الرسولي، دار الكتب الاسلاميه، 1363 ش. ج 9، ص 46.
74. ر.ك: الخصال، ج 2، ص 626، بحار الانوار، ج 52، ص 316، منتخب الاثر، ص 474.
75. ر.ك: منتخب الاثر، ص 474.
76. ر.ك: الارشاد، ص 343، الخصال، ج 2، ص 626، كشف الغمه، ج 2، ص 465، بحار الانوار، ج 52، ص 338، 316، منتخب الاثر، ص 474.
77. ر.ك: منتخب الاثر، ص 474.
78. ر.ك: همان، ص 470.
79. الكافي، ج 4، ص 427.
80. ر.ك: محمد الصدر، تاريخ ما بعد الظهور، الطبعة الثانيه، دار التعارف، بيروت، 1408 ق. ص 522.
81. منتخب الاثر، ص 311.
82. نهج البلاغه، خطبه 138.
83. خورشيد مغرب، ص 42 - 41.
84. بحار الانوار، ج 52، ص 336 (از الخرايج والجرايج).
85. غيبه النعماني، ص 233، بحار الانوار، ج 52، ص 354، منتخب الاثر، ص 307، بحار الانوار، ج 52، ص 359، 355.
86. ر.ك: غيبه النعماني، ص 234، غيبه الطوسي، ص 277، منتخب الاثر، ص 307، بحار الانوار، ج 52، ص 359، 355.
87. درباره اصل زهد واصل ساده زيستي ر.ك: همين مولف، سيره نبوي (منطق عملي)، دفتر اول، سيره فردي، چاپ اول، سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامي، 1372 ش، ص 155 - 251.
88. غرر الحكم، ج 1، ص 29.
89. همان، ص 30.
90. مستدرک الوسائل، ج 12، ص 51.
91. مصباح الشريعه ومفتاح الحقيقه، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت، 1400 ق. ص 141 - 140، بحار الانوار، ج 73، ص 394.
92. زيارت آل يس، مفاتيح الجنان، ص 961 - 960.

## فهرست مطالب

3.....	مقدمه
4.....	ظهور انقلابی
5.....	یاران مهدی
7.....	دولت آرمانی
8.....	سیرت و سنت مهدی
12.....	رفع موانع رشد و کمال مهدی
13.....	آرمانهای اصلاحی
15.....	دولت احیای زمین و آدمیان
19.....	امنیت فراگیر
21.....	سیرت اقتصادی
24.....	سیرت فرهنگی
26.....	سیرت اجتماعی
28.....	سیرت مدیریتی
30.....	سیرت فردی